

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سیدهاشم سدید
۱۹ اکتوبر ۲۰۱۵

دوست دارم دوستان در دوستی صادق باشند! عرایض مختصر و موجز خدمت آقای "نبیل عزیزى":

– فهمیده نشد که دوستی من و شما از کجا و چگونه آغاز شده است. اما چون شما من را دوست خطاب نموده اید، من هم به عنوان یک دوست از شما انتظار دارم، که مانند این دوست تان در قضاوت هائی که می نمائید، تنها جانب ضوابط را بگیریید و نه روابط را.

– اگر به سابقه بحث من و آقای هاشمیان برگردید، متوجه خواهید شد، که من در آغاز از ایشان تنها یک سؤال کرده بودم: چرا شما در زمانی که پیشنهاد تدوین و ترتیب لغتنامه در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" مطرح شد، جواب مثبت ندادید؟ این سؤال فقط از جنبه اخلاقی و برای این که آقای "هاشمیان" کار ترتیب لغتنامه را در پورتال "افغان - جرمن آنلاین" به نام مسؤولیت در برابر زبان و مردم و تاریخ و فرهنگ و کشور و... شروع کردند، به ایشان راجع شد! جواب ایشان این بود، که شما می خواستید مسؤولیت این پروژه را آقای "معروفی" داشته باشد؛ همان چیزی که در آخرین مقاله اش، خطاب به آقای "معروفی"، نیز نوشته است. حال من از شما، آقای "نبیل"، من حیث یک انسان منصف و بی طرف خواهش می کنم پیرامون این ادعای آقای "هاشمیان"، چون خود را شامل مناقشه ساخته اید، تحقیق بکنید، یا حداقل از وی بپرسید، برای روشن شدن حقیقت، که چنین مسأله ای را من در کجا و چه وقت پیشنهاد نموده ام.

یا ببینید که آیا واقعاً چنین سخنی مستقیم یا غیرمستقیم در جائی، یا به وسیله کسی مطرح شده است، یا خیر! چون سخن از اخلاق به میان آمد، باید این ادعا، و شخصیت مدعی این حرف، از لحاظ اخلاقی، از منظر هنجارهای مورد قبول یک جامعه سالم و دارای عادت و منش نیک و خوب، مورد ارزیابی قرار بگیرد؛ و کسی که ادعای ناحق می کند، باید به عنوان آدم ناباب شناخته و معرفی شود، نه کسی که به ناحق متهم به امری شده است.

من هرگز منکر پروفیسور بودن یا داکتر بودن وی نشده ام. اعتراض من در وهله اول به دورویی و دروغ بافی وی بود و است. چرا او به جای طولانی ساختن بحث و ضیاع وقت خوانندگان خویش و آن را به جای های باریک رساندن، اشاره ای به مقاله ای که به زعم ایشان من این پیشنهاد را نموده بودم نمی کنند، که هم دهن من بسته شود و هم خوانندگان ایشان در عمل به حقانیت گفتار وی متیقن گردند؟ آیا این کار دشوار بود، یا نوشتن سه یا چهار صفحه دروغ و تهمت و... و عرض خود را بیشتر از پیش بردن؟

آیا عذر آقای "نگارگر" را شما تخریب پروژه می دانید؟ آیا برخوردی را که ایشان و یک تعداد دیگر با آقای "نگارگر" نمودند، شما تأیید می کنید؟

می خواهم در ادامه بحث بالا برسه نکته مکث کنم:

۱- آیا عقل و احساس آقای "هاشمیان"، وقتی پورتال "افغان - جرمن آنلاین" پیشنهاد ترتیب به اصطلاح آن ها، "قاموس دری به دری" را نمودند، دفعتهاً به آن حدی رسید، که متوجه ضرورت و اهمیت چنین پروژه ای شدند، یا در زمان پیشنهاد اولیه هم ایشان همین درک و احساس را داشتند؟ فکر نکنم که در فکر و ذهن آقای "هاشمیان" نسبت به آن روزی که من این پیشنهاد را کردم، زیاد تغییری وارد شده باشد، حداقل در این مورد خاص! پس عدم علاقه مندی ایشان به این کار در آن زمان به نظر شما محترم چه می تواند باشد، غیر از جاه طلبی و خودخواهی این شخص؛ و خود را مهم تر از هر چیزی دانستن؟ آیا چنین کار از نظر شما قابل تأیید است؟ مهم تدوین کتاب بود، این که توسط چه کسانی و در کجا، فکر کنم به درجه دوم مهم باشد. پشت پا زدن آقای "هاشمیان" به آن پیشنهاد به دلایل واهی، و تلاش های بعدی ایشان، مثل تقاضای همگانی برای اشتراک در این پروژه، نشان داد، که سخنان اولیه شان در خصوص پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" تنها بهانه ای برای گریز از اشتراک در این کار بود. بناءً سخنان امروز شان از وزن زیادی برخوردار نیست. با مروری منصفانه به گذشته، همه آنچه را، که ایشان امروز در باب اهمیت کار تدوین لغتنامه می گویند، باید از روی ریأ و تظاهر دانست.

۲- متصدیان پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" در آن زمان، مانند امروز، که آقای "هاشمیان" از همه به شمول به اصطلاح خود شان "مائویست" ها و "کمونیست" ها خواهش همکاری کرده اند، با قید کلمه "همه"، از همه خواهش کردند، که برای این کار مهم دست همکاری دراز کنند؛ چنانچه خود آقای "هاشمیان" هم نوشته می کند، که این پیشنهاد شش ماه در بالای صفحه این پورتال موجود بود. این که مردم علاقه گرفتند یا نه، مورد بحث من نیست، سؤال، نظر به علاقه ای که آقای "هاشمیان" بعداً به این کار گرفتند، زمانی که ایشان به صفت مسؤل اصلی این کار شناخته شدند، این است که چرا آقای "هاشمیان" با این احساسی که امروز نشان می دهند، در آن زمان این پیشنهاد را لیبیک نگفتند؟

جواب این سؤال این است، که چون ایشان یک آدم جاه طلب و تشنه نام هستند و از آن ترس داشتند، که شاید با قبول پیشنهاد پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به ریاست این پروژه دست نیابند، نخواستند در آن زمان برای پیشبرد و انجام این کار سهم بگیرند و این کار اخلاقاً قابل تأیید نیست! تنها نکته ای که من بر آن تأکید دارم!!

۳- آقای "هاشمیان" چندین بار نوشته کرده اند، که همکاری شان را بعد از مدتی کار با پورتال مذکور به خاطر موجودیت عناصر بی دین قطع نمودند. ببینید، آقای "نبیل"! چون پایه بحث من بر روی پدیده اخلاق استوار است به تکرار یادآور می شوم: اول) اگر آقای "هاشمیان" به صفت یک شخص درستکار به این اعتقاد می رسیدند، که نمی توانند با پایگاه انترنتی بی دینان همکاری کنند، باید بعد از قطع رابطه با این پایگاه مجدداً بدان مراجعه نمی کردند و مطلب برای نشر نمی فرستادند. دوم) فراخوان "کمونیستان" و "مائویستان" برای همکاری با پروژه تدوین لغتنامه، که تا کنون چندین بار آن را تکرار نموده اند، در صورتی که او واقعاً خواهان همکاری با بی دینان نبوده باشد، به چه معنی خواهد بود؟

آیا شما، آقای "نبیل"، گاهی این سؤال به ذهن تان خطور نموده است، که اگر امروز کار در این پروژه با "کمونیستان" و "مائویستان" و یا بی دینان مانعی ندارد، چرا باید در آن زمان کار با این ها مانعی داشته بوده باشد؟ آیا در چنین موضع گیری آقای "هاشمیان" ذره ای از صداقت به نظر شما می رسد؟

همه این اعمال و سخنان نمایانگر آنست که آقای "هاشمیان" مردی نیستند، که پابند اخلاق و تهذیب باشند. در بحث هائی که من با وی می نمایم، من نه از آقای "معروفی" دفاع می کنم و نه از آقای "نگارگر" و نه تحت تأثیر کس دیگری قرار دارم و...

تکیه در بحث با آقای "هاشمیان" تنها بر پدیده حقیقت و اخلاق استوار است. و چون در این بحث ها پای اشخاصی مانند آقای "معروفی" و آقای "نگارگر" نیز شامل است، من برای نشان دادن خبث درون و دروغ های آقای "هاشمیان"، من حیث دلائل بیشتر به اتهام هائی، که به این ها بسته شده است، به طور ضمنی اشاره می کنم، هرچند این اشاره ها بعضاً طولانی تر از سخن اصلی می گردند.

- دروغ گفتن و اتهام بستن: من شخصاً چندین مورد را طی چندین نوشته یاد آور شده ام و از ایشان خواسته ام که ادعای شان را، برای این که، دروغ گو رو سیه شود، با ارائه مدرک و سند و مأخذ ثابت کنند. چرا ایشان، اگر راستگزار و راستگفتار و راستپندار و یک انسان مذهب و سالم التربیت هستند، تا حال حداقل یک بار برای حقانیت و درستی کلام یا ادعای خویش یک مدرک هم ارائه نکرده اند.

اصرار من در این زمینه ها برای این است، که ثابت کنم این شخص از نظر اخلاق و صداقت و فضیلت و تربیت و تهذیب چندان هم بزرگ نیست، که شما فکر می کنید! آقای نلسون ماندیلا می گفت: "... کمبود یا نبود اخلاق را هیچ چهره زیبایی نمی تواند تکمیل کند..." پروفیسور، داکتر یا انجنیر، یا آن زیبا روئی که از تهذیب و اخلاق بهره ای نبرده باشد، روی شان را به خاک کن، آقای "نبیل"!

من می دانم و خیلی از انسان های دیگر هم می دانند، که من آقای "آزاد ل." نیستم، ولی این انسان، از نظر من بی معنی و از نظر شما بی معنی و پروفیسور و چه و چه، با چنان بی مسؤولیتی ما را یکی می داند، که گوئی خدا یا پیامبر هستند و علم غیب دارند و...

فراموش نکنید که تکیه من تنها بر اثبات قباحت ذاتی و دروغ گوئی و تهمت بستن وی است، نه دفاع از خود یا از شخص دیگر و یا مخالفت با این پروژه!

- شاید شما امروز من را آغازگر این گونه بحث ها بدانید. مشکل آقای "هاشمیان" در آغاز کار با آقای "نوری" شروع شد، که ترکیب "پرگرم" آقای "هاشمیان" را نقد کرده، درست ندانستند. در این مورد، بعد از این که بحث این دو نفر بالا گرفت، من هم با یک تذکر بسیار کوتاه و ضمنی در یکی از نوشته هایم، شاید در یک سطر، این ترکیب را از نظر معنی بجا نخواندم. از همینجا و با تذکر فقط همین یک جمله غرور آقای "هاشمیان" مغرور به دگری های بسیار، جریحه دار شد و ایشان مقاله ای نوشتند و طی آن من را شخص پرنویس و تلویحاً پاره گوی نامیدند. وقتی شما کسی را مخاطب می سازید، باید منتظر جوابی هم باشید!

- من در چندین جا به اشتباهات آقای "هاشمیان" در مورد اصطلاحات، ضرب المثل ها، ابداع ترکیبات جدید، کوشش برای تغییر شکل املائی کلمات و... انگشت انتقاد گذاشته ام. یکی از این موارد تعریف مغلوط ضرب المثل هائی بود، که در کتاب داکتر صاحب "ارغند" آمده است. آقای "هاشمیان" از نود ضرب المثل هشت تا را معنی یا تعریف نموده اند. از این هشت تعریف پنج تای آن غلط است. شما آن ها را بخوانید و بعد بگوئید، که من درست می گویم یا نه؟ اگر درست است، پس آنچه من در مورد نداشتن صلاحیت در دست داشتن سررشته کار پروژه ترتیب لغتنامه گفته ام، هم باید درست باشد.

- آیا در کشورما قحط الرجال است که پورتال "افغان جرمن -آنلاین" مسؤولیت چنین کاری را به دوش چنین یک انسانی، که غیر از داشتن یک "قباله روباه"، نه از ادب و ادبیات کشور اطلاع کافی دارد، نه از زبان مردمان آن، نه به

مفهوم و معنی آنچه می آفریند توجه دارد، نه حتی تفاوت بین مترادفات را در نظر می گیرد و... می گذارند. آقای "نوری" یا اشخاص دیگری، که در این پورتال عمری زحمت کشیده اند و نقش بارزی در به پا ایستاده کردن آن بازی کرده اند و از نظر زبان و ابیات به مراتب از آقای "هاشمیان" برتری دارند، به درجات بالایی انتخاب بهتری بودند، نسبت به آقای "هاشمیان"! پاداشی که پورتال "افغان جرمن - آنلین" به این شخص، یعنی به آقای "نوری" داد، با استفاده از زمان و فرصتی که با آمدن یک تعداد اشخاص دیگر برای این پورتال مساعد گردید، بسیار غیرمنصفانه و ناجوانمردانه بود.

- و اما در مورد خودم باید بگویم:

۱- شرم دارم از این که خود را با دریا مقایسه کنم؛ و،

۲- من هیچ وقت پشت ملائی که قلبش چون آئینه صاف نباشد، نماز نمی خوانم، به همین دلیل از دیر وقت است که اصلاً به مسجد نمی روم؛ و با آدم دروغ گو و آدمی که دل و زبانش یکی نباشد هم هیچ گاهی همراه نمی شوم. آقای "هاشمیان" به پوست پاک نیست! این نظر من است. هر کسی می تواند نظر خودش را داشته باشد.

- در اخیر من از همه خوانندگان نوشته های خود، به جهت استفاده از یک تعداد کلماتی که از هر نظر شایان نوشتن نبود، و من آن ها را در مقاله قبلی خود به کار برده ام، معذرت می خواهم. سه مسأله باعث این کار شد: یکی) ناراحتی، که از چندی شدیداً سبب اضطراب من شده است؛ دو) نامه بسیار درشت آقای "هاشمیان" و نسبت های نادرستی که به من داده اند؛ و سوم) عادی نبودن من در اثر گرم بودن. همه دست به دست هم دادند و عنان عقلا نیت را از من ربودند.

من این پوزش را اخلاقاً به همه خوانندگان مقاله های خود، به خصوص به آن دوست عزیزی که دیشب تیلیفون کردند و با بغضی که در گلو داشتند از این کار من سخت انتقاد کردند، مدیونم! من هیچ گاه دعوی فرشته بودن را نکرده ام، بنابراین اشتباه از ذات من هم، مانند هر انسان دیگر، جدا نیست!

۲۰۱۵/۱۰/۱۸